

روابط انسانی در جامعه تک بعدی ژاپن

نگارش جمشید جمشیدی

مقاله زیر بر گرفته از مطالعه متون دو کتاب در باره ساختار جامعه ژاپن (۲۰۱۱) نگارش خانم «چیئه ناکانه» (Chie Nakane) ژاپنی که خود را کارشناس مردم شناسی اجتماعی معرفی می کند است.



نامبرده که اکنون ۹۰ سال دارد در مصاحبه ای که متن آن در روزنامه آساهی چهارم سپتامبر امسال بازتاب داده شد، می گوید دوران کودکی خود را در چین گذرانده و برای مدت طولی هم در هندوستان بسر می برده است. ضمناً مدت ها در انگلستان، ایتالیا و امریکا زندگی کرده است و به مطالعه و تجربیات و پژوهش های جامعه شناسی این کشورها و هم چنین جامعه ژاپن از بیرون پرداخته است. زمانی که استاد دانشگاه توکیو بوده است درخواست نگارش کتابی را از یک مجله دریافت می کند و آن در سال ۱۹۶۷ بوده است. این کتاب (Japanese Society) که دقیقاً ۵۰ سال پیش نگاشته شده است به عنوان یک کتاب پرفروش (بست سیلر) ذکر می شود. این کتاب تا کنون بیش از یک میلیون و هفده هزار نسخه آن بفروش رفته است و به بیش از ۲۰ زبان دنیا ترجمه گردیده است. نامبرده در مصاحبه دیگری که در تاریخ ۱۷ می امسال با همین روزنامه انجام داده است در جواب پرسش مصاحبه گر که «جامعه کنونی ژاپن را چگونه ارزیابی می کنید؟» صریحاً می گوید جامعه ژاپن تغییر نکرده است و اصولی را که در کتاب فوق (روابط انسانی در جامعه ای با محوریت روابط عمودی- اصول جامعه تک بعدی) بر تابیدم هنوز اعتبار دارند. خانم ناکانه کتاب های خود را به پشتوانه تجربیات غنی زندگی و پژوهشی در خارج از ژاپن و مطالعات میدانی در روستاهای کشور و زندگی دانشگاهی خود در ژاپن نگاشته است. ناکانه در این کتاب همواره روابط انسانی درون تشکیلات ژاپن را با نمونه های

1 タテ社会の人間関係—単一社会の理論—中根千枝、講談社現代新書(1967), “Japanese Society”

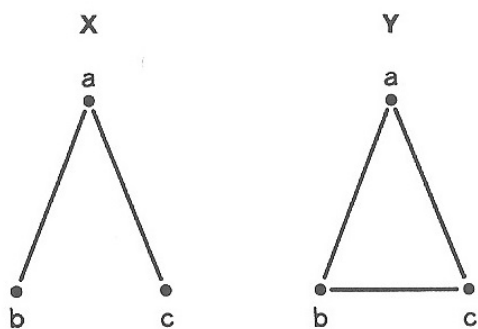
2 タテ社会の力学—中根千枝、講談社学術文庫 2009)-انسانی- روابط عمودی

خارجی مقایسه می کند و به تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت این روابط می پردازد.

و اما ناکانه ساختار جامعه ژاپن و روابط انسانی درون جامعه را چگونه ارزیابی می کند؟ ناکانه معتقد است که اگر از استثناعات بگذریم آن چه که در جوامع غربی به «شخصیت فردی» یا «فردگرایی» موسوم و رایج است و جامعه هم نسبت به چنین گرایشاتی نه فقط احترام می گذارد بلکه در ارتقای آن می کوشد در جامعه ژاپن مشاهده نمی شود. تک تک ژاپنی ها اتکا به نفس ندارند و نظرات و رفتارهای آن ها متکی به شخص خود نیست، بلکه از نظرات و مشی رفتاری جمعی که به آن تعلق دارند نشأت می گیرد. معمولا واحد جمعیتی که ژاپنی ها خود را به آن وصل می کنند حداقل متشکل از ۵ تا ۷ نفر است. بنابراین واحد انسانی هستی، فرد نیست، یک جمع است. یک خانواده، نمونه جمعیت بسیار نمادینی است که اعضای آن با نسبت خونی به هم متصل هستند. نوع جمعیت می تواند سببی به جهت اشتراکات حرفه ای از جمله جمعیت های زراعتی در روستا ها، محیط مدرسه و دانشگاه یا محیط کار و احزاب سیاسی، سازمان های دولتی، تشکیلات مافیائی (یاکوزاها) و غیره باشد. افراد در «مکان» ها به جمعیت ها متعلق هستند. «مکان» عامل بسیار حیاتی در امر پیوست گروهی از مردم نسبت بهم است. دوری از «مکان» همانا و گسستگی از جمعیت همانا. جامعه در سطح کشور تشکیل شده است از تجمع این جماعت ها که هر کدام اعضای خود را با نظریه ها و خط مشی رفتاری خاص خود دارند. به عبارتی جامعه کشوری یک شرکت سهامی عام است. آن چه که جمعیت ها را از هم جدا می کند منافع متضاد است. هر جمعیت هستی ذهنی و عینی خود را در رابطه با جمعیت مقابل (دشمن) تعیین می کند. قوانین، ضوابط، منطق، اصول یا اخلاق باورمندانه اساس هستی جمعیت را معین نمی کنند. خط مشی موجودی هر جمعیت بوسیله شخص خاصی تعیین نمی شود. آن چه خط مشی جمعیت را تشکیل می دهد یک احساس و عاطفه مشترک بین اعضا است که بتواند انسجام جمعیت را در مقابل جمعیت رقیب (دشمن- غیرخودی) ضمانت کند. افراد و جمعیت ها رابطه هم جواری یا ارتباط در محور افقی ندارند و قانون نیست که آن ها را محدود می کند بلکه محدودیت های عاطفی اجتماعی است که آن ها را تحت کنترل در می آورد. اگر چه هر جمعیتی دارای رهبر در مقابل اعضا می باشد لزومنا رهبر دارای قدرت بلامنازع و مطلق نیست تنها نقش هم آهنگ کننده درک و احساسات اعضا تا دسترسی به هدف مشترک تشکیلاتی را دارد.

و اما روابط انسانی درون یک واحد جمعی چگونه است؟

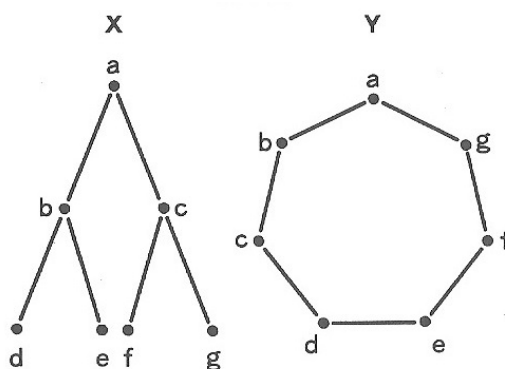
ناکانه به دو نوع رفتار انسانی درون جمعیتی اشاره می کند. روابط انسانی درون جمعیت ژاپنی از نوع «X» است حال آن که در جوامع غربی روابط انسانی از نوع «Y» می باشد (شکل ۱).



شکل ۱.

روابط اعضا در جمعیت نوع «X» مثلثی بدون وجود قاعده است که به معنای عدم وجود ارتباط بین اعضا بوده حال آن که در نوع غربی این ارتباطات بین

اعضا وجود دارد. رابطه اعضا در جمعیت ژاپنی تنها در محور عمودی برقرار است حال آن که این روابط در جمعیت غربی در محور افقی جریان می یابد. شکل ۲، افزایش اعضا یا جمعیت ها نشان می دهد.



شکل ۲.

در نوع ژاپنی که چند جمعیت با پیوستن به هم تشکیل جمعیت بزرگتری را می دهد اعضا بدون ارتباط با یکدیگر تنها با سرپرست خود در تماس هستند. رهبر کل در راس هم جمعیت خود را دارد که متشکل از سرپرستان چند جمعیت کوچک تر است. بنابراین رهبر کل عملاً با تک تک اعضا تماس ندارد و خط مشی جمعیت را تنها در مشورت با سرپرستان گروهای زیر مجموعه خود بازتاب می دهد. ارتباط و مشورت تک تک اعضا با هم در جمعیت غربی از آن جهت امکان عملی پیدا می کند که بر خلاف نوع ژاپنی آن که اشتراک احساسی و عاطفی در مقابل رقیب غیرخودی هدف اصلی جمعیت تعیین می شود، مقررات و ضوابط جمعیت حرف اول را می زند. هر عضوی که مقررات و ضوابط جمعیت را به پذیرد و در جهت تحقق آن بکوشد می تواند به جمعیت به پیوندد و در تصمیم گیری های حساس هم در محور افقی شرکت کند. در نوع جمعیت ژاپنی همان گونه که در شکل هم مشخص شده است عضو جدید فقط لازم است رابطه آشنائی با یک عضو جمعیت را داشته باشد تا به جمع به پیوندد و به خط مشی جمعیت که تنها در سمت فائق آمدن بر رقیب بیرونی غیرخودی هدف گذاری شده است سمپاتی نشان دهد. چه بسا عضوی در یک بحث منطقی و یا علمی به خط مشی جمعیت اعتراض کند و نظری مخالف ارائه بدهد مورد بی مهری و در نهایت بی اعتنائی قرار گرفته و در نهایت با طرد از جمعیت مواجه می شود که برای او غیر از فاجعه و درماندگی چیز دیگری به بار نمی آورد. یک عضو رسمی نباید رابطه نزدیک و احیاناً همکاری با عضوی یا جمعیت غیر برقرار کند. در چنین موردی هم مورد غضب جمعیت خودی و چه بسا طرد از آن قرار می گیرد.

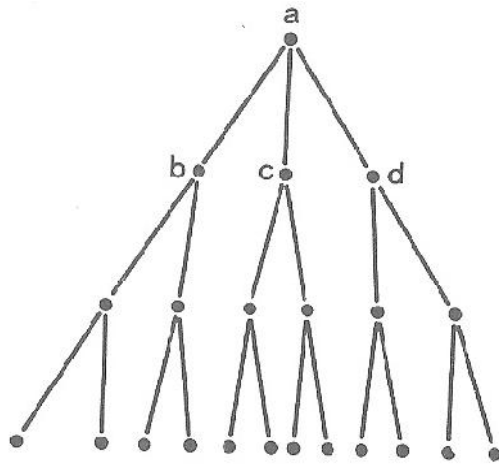
ناکانه معتقد است در جمعیت ژاپنی جایی برای بحث منطقی نیست باید به احساسات خانوادگی و درک مشترک دست یافت زیرا این روند به انسجام و نظم بیشتر جمعیت در مقابل رقیب می انجامد. ناکانه این روند را بی شک دارای نقش مثبت در جهت برقراری نظم و انسجام و پایداری جمعیت جمع بندی می کند اما این رابطه احساسی انسانی در عین حال بر حسب شرایط می تواند بسیار شکننده و مخرب ارزیابی شود. یک عضو نه فقط با اعضای دیگر جمعیت خودی امکان ارتباطی ندارد او حتی با افرادی خارج از جمعیت غیر خودی تنها نظر و ذهنیات جمعیت را

بازتاب می دهد و از ارتباطات عمیق و احیانا همراهی حذر می کند. خود جمعیت هم با دیگر جمعیت ها هرگز ارتباط عمیق (در محور افقی) برقرار نمی کند. اصل مرزبندی میان خودی و غیرخودی در جمعیت های ژاپنی بنحو بارزی رعایت می شود.

سلسله مراتب درون جمعیت؟

آن گونه که ناکانه معتقد است سلسله مراتب درون یک جمعیت بر اساس شایستگی و یا تخصص تعیین نمی شود. تمام اعضا از نقطه نظر شایستگی برابر هستند! یک برابری اغراق آمیز درون جماعت های گوناگون جامعه ژاپنی وجود دارد اما این به معنای نبود تفاوت میان اعضا نیست. تفاوت های قابل توجه ای میان اعضای تشکیلات بچشم می خورد که در نمونه های خارجی وجود ندارد و چه بسا شگفت آور است. ژاپنی ها در فرهنگ روابط انسانی خود واژه بزرگتر (سیمپای Sempay) و کهنتر (کوهای Kohay) را برای یکدیگر بکار می برند که اهمیت بسزا و ضمنا کارآمدی فوق العاده در تشکیلات دارد. یک نمونه بارز سیمپای مسن تر بودن است. عضوی که چند سال زودتر به جمعیت پیوسته است نیز سیمپای است. سابقه کار در جمعیت نیز از جمله برتری ها شمرده می شود. نام دانشگاه از اهمیت برخوردار است. برای مثال دانشگاه توکیو از حتما دانشگاه آکسفورد ارج و قرب بیشتر دارد. اگر چه چندین عضو فارغ التحصیل دانشگاه هم نامی باشند موضوع سابقه کار یا قدمت ورود به جمعیت عامل تفاوت میان آن ها مقرر می شود. معمولا مسن ترین عضو جمعیت در راس قرار می گیرد. کاری به شایستگی و تخصص او ندارند. بر حسب سنت حرف او در میان اعضا بریدگی خاص خود را داشته خریدار دارد. با یک درک مشترک اعضا صف بندی و رتبه بندی می شوند. چنین سلسله مراتب در تمام وجوه هستی یک جمعیت رعایت می شود و اعضا هم ایرادی به آن وارد نمی کنند. در جلسات رسمی و حتما میهمانی ها و مناسبات دیگر اعضا بر حسب مرتبه خود باید به صف شوند و بنشینند. در جوار سرپرست جمعیت هرگز یک عضو عادی جلوس نمی کند. ناکانه این صف بندی ها را عادات «کلاگی» نام گذاشته است. ظاهرا کلاغ ها در پروازهای جمعی بر حسب نشان به صف می شوند. جمعیت ها از نوع ژاپنی از یک اصل یا اخلاق جمعی پیروی نمی کنند. بنابراین خط مشی یک جمعیت بر حسب تغییرات در هستی جمعیت مقابل تغییر پذیر است. ناکانه هستی یک جمعیت ژاپنی را به مانند «حیوانات نرم تنان» یا کاملا ژله ای و دینامیک ارزیابی می کند. بدین ترتیب ژاپن با حذر از اتخاذ یک اصل یا ضابطه مطلق و ایدئولوژی سیاسی یا ارزشی دینی توانسته است با یک اتحاد نمادین درون تشکیلاتی در زمینه صنایع به پیشرفت های قابل توجه ای دست یابد. این یک واقعیت تاریخی است که نباید انکار شود. اما در یک اسکل بزرگ حال در سطح کشور جمعیت های خردتر که منافع جمعیت خود را ترجیح می دهند با ادامه فرهنگ سنتی درون جمعیتی از ادغام در و پیروی از خط مشی جمعیت بزرگتر امتناع ورزیده سبب افت سطح یا حتما توقف شکوفائی در یک اسکل بزرگ می شوند که ممکن است در نهایت فاجعه تقسیم و جدائی جمعیت ها را بدنبال داشته باشد. آن چه که بارها در مورد احزاب سیاسی دیده شده است.

روابط انسانی میان جمعیت ها پس از پیوستن به هم



شکل ۳ نمونه ای را نشان می دهد که چند جمعیت با اعضای یکسان با پیوستن بهم تشکیل یک اجتماع بزرگتری را می دهند. البته جمعیت های مشمول ممکن است به اندازه های گوناگون و با سوابق مختلف باشند. رهبری (a) که این جمعیت بزرگ را مدیریت می کند کسی خواهد بود متعلق به جمعیت قدیمی تر و پرنفوذتر. طبیعتاً این شاخصه ها به معنی شایسته تر و متخصص تر و مدبرتر رهبر نیست. آن گونه که در سطور پیش تر هم اشاره شد او کسی خواهد

بود متفاوت از سرپرست های d, c, b. او به احتمال

شکل ۳.

بسیار زیاد مسن ترین شخص یا متعلق به جمعیت قدیمی تر یا

پرنفوذتر خواهد بود. تنها سن و سابقه طولانی یا تعلق او مطرح خواهد شد و بس. اگر چه ممکن است یکی از سرپرست های b, c, d شایسته تر و متخصص تر باشد اما او دارای قدرت مدیریت تمام جمعیت ها را نخواهد داشت زیرا روابط میان آن ها در محور افقی وجود ندارد و بنابراین قادر به جذب همکاری همه آن ها نخواهد بود. او تنها می تواند اعضای زیر مجموعه خود را که تنها ۶ نفر است را دعوت به همکاری کند. جالب این جاست که نه اعضای این جمعیت ها و نه سرپرست های آن ها از چنین شرایطی که آماده پذیرش عضوی از آن ها به عنوان رهبر نهائی نیست ناراضی هم نیستند. بر عکس در چنین شرایطی است که سرپرست های جمعیت های متشکل سعی می کنند با مجیزگوئی و بزرگ نمائی کردن رهبر در راس (a) خواسته های خود را عملی کنند. رهبر هم بدون نیاز به بسیج تمام اعضا با تشکیل جمعیت خود که متشکل از سرپرست های b, c, d است دست به کار هم آهنگی های احساسی- روانی به عنوان خط مشی مشترک اجتماع می شود. او لازم است بتواند همکاری و هم راهی تنها همین چند نفر را محقق کند تا مدیریت خود را تسهیل کند و تکامل بخشد. ناکانه معتقد است که رهبر یک جمعیت دیکتاتور نیست و نمی تواند خودرای باشد. رهبر عملاً تحت نفوذ اعضای زیر مجموعه خود قرار دارد. به عبارتی اعضای زیر مجموعه تحمیل کننده و تعیین کننده خط مشی جمعیت هستند. اگر چه سرپرست های جمعیت ها با رهبر کل همکاری می کنند این به معنای گذشت از خواسته های جمعیت تحت سرپرستی خود نیست. آن ها در واحد یک جمعیت نه فرد به کل پیوسته اند و همواره در صدد تحقق خواست های جمعیت خود هستند و هرگز به روشی که این خواسته ها را نادیده بگیرد تن در نخواهند داد. آن ها به معنائی هرگز ادغام در کل نمی شوند. هر آن ممکن است دست به سرکشی بزنند و در صورت نیاز یکجا در واحد جمعیت از کل جدا شوند. از آن جایی که رهبر کل تنها با مسئولین جمعیت ها در تماس است اطلاعات او منحصر به اطلاعاتی است که آن ها در اختیارش می گذارند. در صورتی که این اطلاعات نقص داشته باشد یا او مرعوب منافع فردی و خودخواهانه آن ها شود با فاجعه مدیریت مواجه خواهد شد که بسا اضمهلال کل تشکیلات را بدنبال خواهد داشت.

جمعیت‌ها که با پیوستن بهم تشکیل جمعیت بزرگتر را می‌دهند(آن گونه که در شکل نشان داده شد) لزوماً چه از نظر بزرگی، قدمت و فعالیت یکسان نیستند. در صورتی که تفاوت‌های چشمگیر میان آن‌ها وجود داشته باشد مرتبه بندی نسبی آن‌ها صورت خواهد گرفت. در محور عمودی جمعیت‌ها به درجه یک و دو و سه و غیره درجه بندی می‌شوند. هر جمعیتی باید جایگاه خود را در ک کند و به نسبت اهمیت و اقتدار خود سهم خواهی کنند. آزادی مطلق در زمینه نظردهی و تعیین خط مدیریت در جمعیت مجاز نیست.

رفتار ژاپنی‌ها در خارج نسبت بهم و شخص «غیرخودی» یا از دیگر ملیت‌ها

آن گونه که مکرراً در سطور پیشین هم اشاره شد ناکانه قویاً بر این باور است که ژاپنی‌ها با تعلق به «مکان» خاصی ذهن و کردار خود را مطابقت می‌دهد، عبارتی تسلیم جو و وجدان اجتماع مربوطه می‌شود. اگر چه در داخل به جمعیتی وابسته بوده اما اینک بر حسب اقتضا مجبور شده است در خارج زندگی بگذراند دیگر نمی‌تواند تعلق خود را در جمعیت قبلی حفظ کند، زیرا «مکان» تغییر کرده است. اما در خارج به جهت مواجهه شدن با فرهنگ و سبک زندگی متفاوت مجبور می‌شود با هم‌ملیتی‌های خود تماس برقرار کند و روابطه نزدیکی ایجاد کند. همان تماس‌ها و روابط نزدیک عاملی خواهد شد تا به اجتماع آن‌ها کشیده شود و در نهایت در آن ذوب شود. پس از متوسل و ذوب شدن در اجتماع مزبور دیگر بناچار باید به فرهنگ و خط مشی آن اجتماع وفادار بماند، از طرفی هم مجاز نخواهد بود با غیر رابطه ای عمیق و نزدیک ایجاد کند. در صورت رعایت نکردن اخلاق و روش جمعیت خود به شخصیتی با برچسب فرد «شرم آور» افت خواهد کرد. ناکانه این رفتار تک بعدی ژاپنی‌ها را که به ایجاد دیوار با دیگر ملیت‌ها می‌انجامد را بسیار غیر عادی می‌پندارد. چینی‌ها و ملیت‌های دیگر آسیائی با بیش از یک جمعیت در تماس‌های نزدیک قرار دارند و فعالانه با شخصیت‌های دیگر کشورها طرح دوستی می‌ریزند. میان اجتماعات و افرادی که با آن‌ها در رابطه نزدیک قرار دارند حتماً تفاوت قائل می‌شوند. اصولاً اهالی کشورهای آسیای شرقی، چینی‌ها و اروپائی‌ها از طریق ایجاد شبکه‌های فردی روابط برقرار می‌کنند. اگر چه دامنه این روابط بسیار گسترده است و بنابراین از تنوع بسیار برخوردار ولی ممکن است این روابط فردی در نهایت به ایجاد یک اجتماع منسجم و تشکیلات کارآمد بیانجامد. اما حتی در چنین شرایطی هم تماس میان اجتماعات برقرار است و آن گونه که در اجتماعات ژاپن مرسوم است پدیده خودی و غیرخودی مشاهده نمی‌شود. او نمونه ای از تجربه خود را در زمینه روابط فردی زمانی که در آمریکا زندگی می‌کرده است توضیح می‌دهد. در دانشگاه بطور اتفاقی به جمعیتی از همکاران چینی بر می‌خورد که سرگرم صحبت کردن با یکدیگر بودند. وقتی او را می‌بینند فوراً شروع می‌کنند به زبان انگلیسی صحبت کنند تا به او نشان دهند که می‌تواند براحتی به جمع آن‌ها به پیوندد. او معتقد است از آن جایی که میان ژاپنی‌ها و خارجی‌ها همواره دیوار ایجاد شده است چنین رفتاری از ژاپنی‌ها نسبت به خارجی‌ها مشاهده نمی‌شود.

ژاپنی‌ها میان رابطه با جمعیتی که به آن تعلق دارند(شرکت تجارتي یا صنعتی، مدرسه، سازمان دولتی و غیره) با شخصیت‌های حقیقی و افراد دوست تفاوت قایل نیستند. آن‌ها در روابط شخصی با غیر تمایل دارند با خود محوری آن گونه عمل کنند که در جمعیت خودی رفتاری می‌کنند.

کنند. ژاپنی بدون توجه به علاقه یا تمایل شخص مخاطب حرّافی کرده و دست به اعمالی می زند که تائید آن بوسیله شخص مخاطب نامعلوم است. ناکانه آن چه را که در روابط با دوستان نیاز است را اعتماد دوطرفه خاطر نشان می کند که آشکارا با اصل توسل و وفاداری شخص ژاپنی در اجتماع خودش متفاوت است. رفتار ژاپنی ها با خارجی ها آن چنان است که سبب می شود تا در خارجی نسبت به جدی بودن ژاپنی ها در برقراری دوستی واقعی شک ایجاد کند. آن ها هرگز تن به یک صحبت منطقی و جدی نمی دهند. حتی موضوعات جدی را به گونه ای ماستمالی می کنند تا نتایج اولیه خود را به مخاطب بقبولانند. خارجی ها معتقدند که ژاپنی ها فرق میان دوستی و روابط در اجتماعات را درک نکرده اند.

ناکانه از قول یک کارمند چینی نقل می کند که در یک کارخانه در سنگاپور کار می کند که مدیر آن یک ژاپنی است. او از اصل «خودی» رایج در کارخانه اظهار ناخوشنودی می کند. او معتقد است که در کارخانه به عنوان کارمندی کار می کند که تخصصش را می خرد و در مقابل به او اجرت می دهند، این رابطه با رابطه اهالی خانواده اش یا نسبت به دوستش که در خارج از کارخانه هستند متفاوت است و این فرق غیر قابل اغماض است.

نمونه دیگری را شرح می دهد که مربوط به یک خارجی است که در یک خانواده ژاپنی اطاقی اجاره می کند. خانم صاحب خانه از سر لطف به مستاجرش توصیه می کند که او را بمانند مادر خودش فرض کند و هر نیاز دارد بدون خجالت از وی بخواهد. مستاجر خارجی از این طرز برخورد صاحب خانه تعجب می کند که چه گونه ممکن است که صاحب خانه بتواند نقش مادر او را بجا بیاورد. هرگز رابطه با موجر را نمی توان با رابطه اهالی خانواده خود یکسان فرض کرد.

عوارض روابط تک بعدی انسانی در جوامع بسته ژاپنی

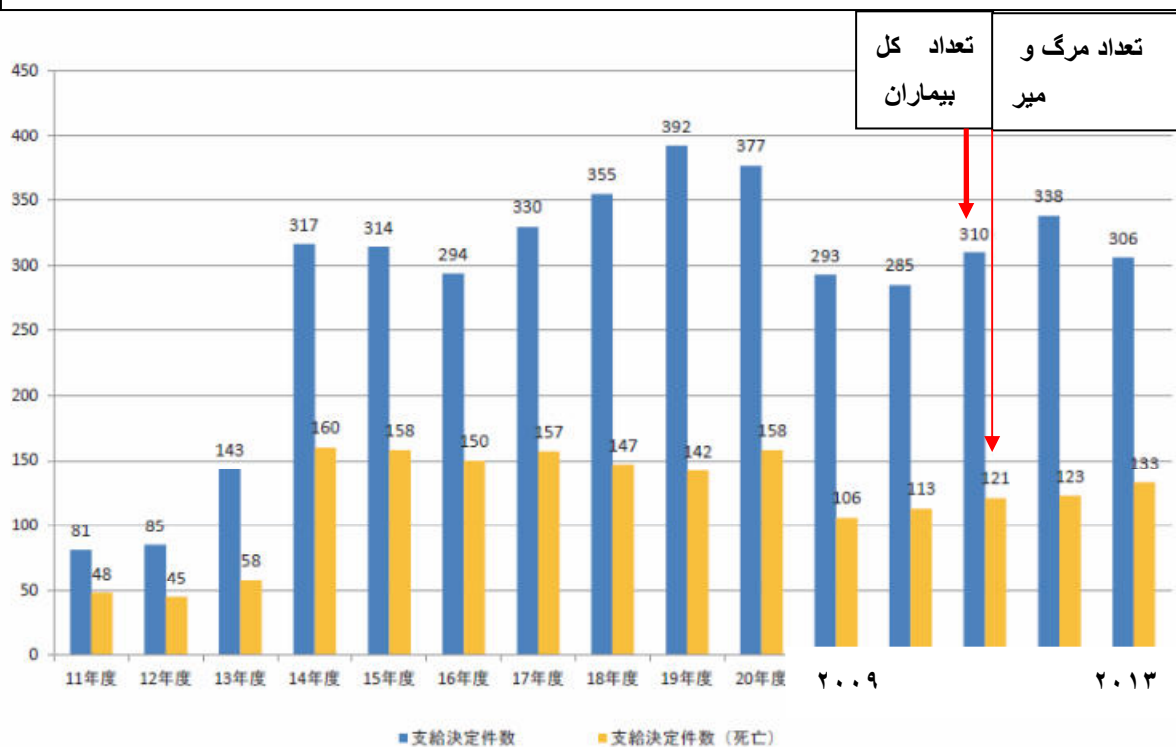
آن گونه که در سطور اولیه این نوشتار هم اشاره شد ناکانه در مصاحبه خود با روزنامه آساهی در تاریخ ۱۷ می ۲۰۱۷ اصول جامعه شناسی خود را در جوامع کنونی ژاپنی نیز همواره معتبر دانسته است. او علت این پابندی به اصول یاد شده را هم بجهت رواج نابسامان فرهنگ پرکاری بی اندازه در شرکت ها و سازمان های مختلف که پیامد مرگ و میر و خودکشی را داشته است می داند. او به نمونه دیگری که اساس گفته های خود را اثبات می کند و به ژاپنی^۳ (آماکوداری) می نامند اشاره دارد. او معتقد است اگر شخص، تحت القاعات احساسی و روابط انسانی عمودی درون جامعه ای که به آن تعلق دارد قرار نگیرد و بسادگی مغزشوئی تشکیلاتی را که توسعه و پیشرفت فنی و مالی شرکت ها نهایتاً منافع کارکنان را به همراه داشت نپذیرد، تمایل پیدا می کند در محور افقی هم با دیگران از جمله خانواده و دوستان و یا سازمان های بشر دوست ارتباط برقرار کند و در باره مسائل محیط کار به مشورت پرداخته و با اشتراک نظرات در جهت حل مسائل خود اقدام کند.

معضل پرکاری در شرکت ها و سازمان های ژاپنی که منجر به مرگ و خودکشی می شود

³ «آماکوداری» تحت اللفظی به معنای نزول از بهشت است. اشاره به روابطی است که =Amakudari = 天下り تحت آن شخصی با توصیه رئیس یا مدیر جامعه ای که قبلاً به آن تعلق داشته است بر مسند تشکیلات دیگری جلوس می کند. این روابط پنهانی نفوذ جامعه اولی را بر تشکیلات بعدی امکان پذیر می کند.

همواره یکی از دغدغه های بزرگ جامعه ژاپن بشمار می آید. آن تعداد از کارگران و کارمندانی که بر اثر خستگی ازپرکاری به بیماری های مغزی و قلبی دچار شده اند یا این نوع بیماری ها در آن ها شدت گرفته است به عنوان کارکنان دچار عوارض محیط کار توسط وزارت بهداشت و کار تائید می شوند تا تحت مراقبت ها و کمک های این وزارت خانه قرار گیرند. در ۵ سال (۲۰۱۳-۲۰۰۹) گذشته تعداد کارکنانی که در محیط کار دچار بیماری شده اند بالغ بر ۱۵۳۲ نفر گزارش شده است که از میان آن ها تعداد ۴۷۵ نفر نهایتاً با مرگ مواجه شده اند(شکل ۴- منتشر وزارت بهداشت و کار).

شکل ۴- سیر تعداد کارکنانی که بیماری های مغزی و قلبی آن ها به عنوان عوارض محیط کار تائید شده است.

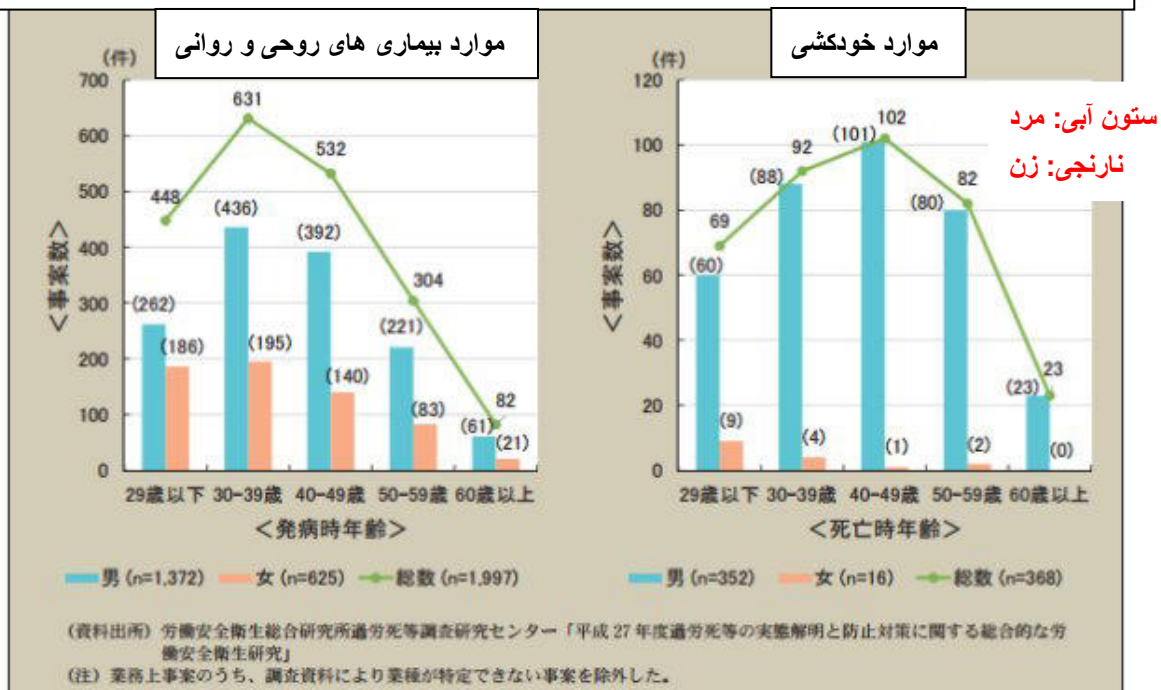


注) 支給決定件数は、当該年度内に「業務上」と認定した件数で、当該年度以前に請求があったものを含む。

چنانچه کارکنان بر اثر فشارهای روحی حاصل از پرکاری و مسائل دیگر محیط کار دچار عوارض سخت روحی و روانی بشوند ممکن است نهایتاً دست به خودکشی بزنند. خودکشی بر اثر پرکاری در محیط های کار ژاپن عجیب نیست و بسیار رایج است. آن گونه که از شکل ۵ نیز آشکار است در سال ۲۰۱۵ میلادی تعداد ۱۹۹۷ نفر از کارکنان دچار ضایعات روحی و روانی شده اند که از میان آن ها ۳۶۸ نفر دست به خودکشی زده اند. موارد عوارض روحی و روانی در کارکنان مرد دو برابر بیشتر از زن ها و در لایه سنین ۳۰ تا ۳۹ سال دیده شده است.

خودکشی ها اکثراً در مردها و در لایه سنین ۴۰ تا ۴۹ سال بیشتر بوده است.

شکل ۵- ابتلا به بیماری های روحی روانی ناشی از سختی های محیط کار و خودکشی ها بر حسب جنسیت و سن



۲۳ نوامبر ۲۰۱۷ اوساکا